

دکتر دونالد فاوئر، پیشینه‌های عهد عتیق سخنرانی ۷، یوبیل

دان فاوئر و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر دان فاوئر هستم در تدریسش در مورد پیشینه‌های عهد عتیق. این جلسه هفتم، جوبیلی است.

خب، خوش آمدید. یکی از سخت‌ترین چیزها در مورد دوره پیشینه‌های عهد عتیق این است که همه ما، از جمله خودم، در درجه اول به داستان کتاب مقدس علاقه‌مندیم. اما مشکل این است که بیشتر داستان کتاب مقدس در واقع هزار سال پس از شروع داستان بین‌النهرین است. بنابراین نمی‌توانید مثل چتر نجات به آن منطقه بپرید.

شما حداقل باید شروع به ایجاد پیوستگی کنید. اما بالاخره به جایی در دوره بابل قدیم می‌رسیم که شباهت‌ها با کتاب مقدس واقعاً جالب هستند، و فکر می‌کنم شما هم متوجه خواهید شد که این درست است. من نقشه‌ای از امپراتوری هیکسوس پیدا کردم که می‌خواستم به شما نشان دهم، و این به ما کمی تصویر بصری از این امپراتوری بزرگ می‌دهد.

همانطور که روی صفحه می‌بینید، امپراتوری هیکسوس تا جنوب ترکیه امتداد دارد. ضمناً، می‌توانید در روی هیکسوس، ببینید که یوم کیپور در کجا بوده است. بنابراین، این نقشه‌ای است که منطقه S انتهای فیزیکی بسیار چشمگیری را که هیکسوس‌ها در واقع بر آن حکومت می‌کردند، به شما نشان می‌دهد.

همانطور که اینجا به وضوح می‌بینید، آنها از مرکز مصر تا مرکز مصر حکومت می‌کردند. پایتخت امپراتوری هیکسوس‌ها آواریس در مصر بود و سپس آنها تا رودخانه فرات حکومت می‌کردند. بنابراین، این، البته، یک امپراتوری بزرگ بود، اما چیزی که می‌خواهم در درجه اول با من به خاطر داشته باشید این است که آنها مردمی بزرگ بودند و ما حتی یک لوح هیکسوس هم نداریم، بنابراین نمی‌توانیم تاریخ معناداری از این مردم آنطور که می‌خواهیم بنویسیم، اما آنها مردمی با اهمیت منحصر به فرد برای مطالعات کتاب مقدس یا برای قوم عبری بودند.

بنابراین، با این اوصاف، اجازه دهید به چیزی بپردازم که به نظرم مثال خوبی از میزان ثمربخشی مطالعه پیشینه‌های عهد عتیق است. در این پاراگراف پایین، اشاره کردم که شاید دشوارترین عمل اقتصادی برای نهادینه کردن، عمل یوبیل بود. در عهد عتیق، هر هفت سال، قرار بود یک بخشش، یعنی لغو بدهی‌ها صورت گیرد.

حال، یکی از بهترین متون کتاب مقدس که این موضوع را به ما نشان می‌دهد، در کتاب تثنیه است، جایی که اینگونه خوانده می‌شود: در پایان هر هفت سال، باید بدهی‌ها را ببخشید. و این روش بخشش است. هر طلبکاری باید آنچه را که به همسایه خود قرض داده است، ببخشد.

او نباید آن را از همسایه و برادرش مطالبه کند، زیرا بخشش خداوند اعلام شده است. بنابراین، از یک بیگانه، می‌توانید آن را مطالبه کنید، یعنی وقتی به یک بیگانه پول قرض می‌دهید، می‌توانید او را مجبور به بازپرداخت آن کنید، اما دست شما هر آنچه از مال شما نزد برادران است را آزاد خواهد کرد. و البته خداوند می‌گوید دلیل این عمل، عبارت معروف آیه ۴ است که می‌گوید در میان شما فقری نباشد.

بنابراین، چیزی که می‌خواهیم به شما اشاره کنیم این است که یک رویه اقتصادی وجود داشت که به نظر می‌رسد در بین‌النهرین با اموریان آغاز شده است، و آن رویه این بود که یک پادشاه لغو بدهی‌ها را وضع

می‌کرد. در بین‌النهرین، در دوره بابل قدیم، یک رویه جالب وجود داشت، زمانی که در اولین سال کامل حکومت پادشاه جدید، او لغو بدهی‌ها را وضع می‌کرد. خوب، ما در مورد آن صحبت خواهیم کرد، اما فکر می‌کنم این احتمال وجود دارد که این امر منجر به این مفهوم در کتاب مقدس شده باشد، که در آن این کار بر اساس یک پادشاه جدید انجام نمی‌شد، بلکه بر اساس یک چرخه هر هفت سال در اسرائیل باستان انجام می‌شد، بدهی‌ها لغو می‌شدند، زمین آیش می‌شد و بردگان آزاد می‌شدند.

من از کلمه «آزاد شده» استفاده می‌کنم. این مسلماً شگفت‌انگیزترین عمل اقتصادی در کل جهان باستان است. آنچه خدا به موسی وحی کرد، یک عمل اقتصادی بود که در یک چرخه، سال هفتم، سالی بود که سال رهایی نامیده می‌شود.

این اتفاقی بود که در سال رهایی افتاد. در سال هفتم، تمام بدهی‌هایی که یک اسرائیلی به اسرائیلی دیگر داشت، باید بخشیده می‌شد. علاوه بر این، زمین نباید در سال هفتم شخم زده می‌شد و همه بردگان باید آزاد می‌شدند.

حالا، متوجه شدید که من این را در یک دسته جداگانه قرار دادم، اما در واقع، آزادسازی بردگان صرفاً مورد دیگری از لغو بدهی‌ها بود. در فرهنگ ما، ما به برده‌داری از نظر نژادی فکر می‌کنیم. در کتاب مقدس، این موضوع به معنای واقعی کلمه هیچ ارتباطی با نژاد نداشت.

بیشتر به اقتصاد مربوط می‌شد. در یک جامعه کشاورزی، اتفاقات زیادی می‌توانست باعث ورشکستگی یک کشاورز شود: بیماری محصول، هجوم حشرات، ناتوانی جسمی کشاورز، یا شاید خود کشاورز بیمار شود.

بنابراین، اتفاقاتی می‌توانست رخ دهد که یک مرد را به چیزی که ما در فرهنگ خود ورشکستگی می‌نامیم مجبور کند. خوب، در دنیای باستان ورشکستگی وجود نداشت. بنابراین، تنها راهی که یک مرد می‌توانست از خود در فاجعه شکست کامل، شکست اقتصادی، محافظت کند، فروش خود یا فروش یکی از فرزندانش به بردگی بود.

با این حال، فقط می‌خواهم دوباره جلوی دوربین بگویم. این هیچ ربطی به تعصب یا نژاد نداشت. این تقریباً یک واقعیت کاملاً اقتصادی بود.

این اتفاق در دنیای بدون پول واقعی رخ داد. در این دوره، سکه‌ای وجود نداشت. نزدیک‌ترین چیزی که آنها به پول داشتند، وزن کردن نقره، یعنی یک شِکِل، بود.

کلمه عبری شِکِل امروزه به سکه اشاره دارد، اما در کتاب مقدس، این کلمه به معنای وزن بود. شما مقداری نقره را روی ترازو وزن می‌کردید و این می‌توانست حکم پول را داشته باشد. اما در واقعیت، پول تا دوره پارسیان به صورت سکه وجود نداشت.

بدون پول، مردم با کالا معامله می‌کردند. بنابراین، اگر شما یک کشاورز هستید و کالایی ندارید، تنها چیزی که دارید زمین شماست. خوب، در سنت عبری، خدا قانونی وضع کرد که می‌گفت شما نمی‌توانید زمین را بفروشید. بنابراین، به معنای واقعی کلمه، به عنوان آخرین چاره، تمام چیزی که یک کشاورز عبری می‌توانست بفروشد، خودش یا یکی از فرزندانش بود.

بنابراین، چون این یک رویه اقتصادی بود، اتفاقاً، فکر می‌کنم این یکی از جالب‌ترین و سوءتفاهم‌شده‌ترین مفاهیم در کتاب مقدس است. فقط اجازه دهید دو دقیقه وقت بگذارم و فراتر از جایی که الان هستیم

بروم، زیرا این مفهوم برده‌داری راه خود را به عهد جدید باز می‌کند. اما در آنجا، در واقع به یک استعاره شناخته‌شده برای چگونگی تبدیل شدن ما به فرزندان خدا تبدیل می‌شود.

ما وضعیت برده‌داری را در نظر می‌گیریم. این موضوع آنقدر اشتباه برداشت شده است که واقعاً کاش می‌توانستم وقت بگذارم و آن را برای شما توضیح دهم. با این حال، برده‌داری در عهد جدید فقط استعاره‌ای از این واقعیت بود که انسان‌ها متعلق به خدا هستند.

ما هم پسران او هستیم و هم بردگان او. درک این موضوع برای ما کمی دشوار است، اما هر دو فقط استعاره هستند. ما واقعاً پسران خدا نیستیم، به این معنا که از نظر بیولوژیکی از خدا تبار داریم.

ما به صورت استعاری پسران خدا هستیم. ما به صورت استعاری بندگان خدا هستیم. این یک موضوع بسیار جالب است.

امروزه کارهای خوب زیادی در این زمینه انجام می‌شود. اما برای بازگشت به این رسم، رهایی که زبان خاص خود را در کتاب مقدس عبری دارد، نباید با یوبیل اشتباه گرفته شود. یوبیل حاصل ضرب هفت در هفت است، بنابراین پنجاهمین سال، سال یوبیل است.

ضمناً، یوبیل در لاویان ۲۵ آمده است. بخش زیادی از این فصل به بحث در مورد یوبیل اختصاص داده شده است. یوبیل ممکن است با سال آزادسازی، که سال هفتم بود، یکسان بوده باشد یا نباشد. ما بدون هیچ شکی می‌دانیم که این رسم لغو بدهی‌ها قرار بود در یک چرخه هفت روزه انجام شود.

ما مطمئن نیستیم. در مورد چگونگی توضیح این موضوع بحث وجود دارد، اینکه آیا سال پنجاهم صرفاً یک سال پنجاهم مقدس بوده یا اینکه واقعاً تفاوتی در نحوه عملکرد آن وجود داشته است. آنچه می‌دانیم این است که خداوند اسرائیل را در یک برنامه اقتصادی قرار داده بود که با لغو بدهی‌ها و آزاد کردن بردگان مشخص می‌شد. شاید آیش زمین چیزی باشد که درست در سال پنجاهم، پنجاهمین سالی که شما محصول نکاشته‌اید، رخ داده است.

ما واقعاً نمی‌توانیم با قطعیت بگوییم، اما چیزی که می‌توانیم با قطعیت بگوییم این است که خداوند یک سیستم اقتصادی برای اسرائیل ایجاد کرده بود، سیستمی که ریشه در مفهوم عبری سبت دارد تا بدهی‌ها بخشیده شوند. بنابراین، اگر بتوانیم به یادداشت‌های خود در اینجا برگردیم و به این نگاه کنیم، می‌توانیم ببینیم که این مفهوم ممکن است به یک رهایی بین‌النهرینی برگردد که به دوره اکدی قدیمی، در زمان سارگون، برمی‌گردد. تاکنون، حداقل ۴۸ اشاره به رهایی‌های سلطنتی مختلف در بین‌النهرین داریم.

خب، می‌دانم که وارد بحث دیگری شدم، بگذارید برگردم و به شما بگویم، در بین‌النهرین، شاید یادتان باشد رهایی در یک چرخه اتفاق نمی‌افتاد، بلکه زمانی رخ می‌داد که پادشاه جدیدی تاج و تخت را به دست می‌گرفت. وقتی پادشاه جدیدی تاج و تخت را به دست می‌گرفت، نوعی رهایی، لغو بدهی‌ها، وجود داشت. دو مطابقت دارند که editor و Yashar هستند که با کلمات عبری andirarum و mesharum کلمه اکدی از نظر ریشه‌شناسی یکسان هستند.

بین‌النهرینی است، بنابراین لازم نیست همه اینها را کاملاً بدانید، فقط andirarum دیرور معادل واقعی می‌خواهم به شما بگویم که اصطلاحات مربوط به رهایی در بین‌النهرین از نظر ریشه‌شناسی با اصطلاحات موجود در کتاب مقدس عبری یکسان است. در تثنیه ۱۵، وقتی خدا در مورد رهایی صحبت می‌کند، کلمه نیز وجود دارد که از نظر ریشه‌شناسی یکسان است. بنابراین، می‌توان تا dirur است، اما کلمه shmita حدودی استدلال کرد که زبان رهایی در کتاب مقدس همان زبانی است که در بین‌النهرین باستان بوده است.

ما در مجموع ۴۸ نسخه مختلف داریم که جمع‌آوری کرده‌ایم، شاید امروز بیش از ۵۰ نسخه باشد، زمانی بود که به دانشجویانم می‌گفتم حدود ۲۵۰ هزار لوح خط میخی پیدا کرده‌ایم، خب امروز بیش از یک میلیون است. و گاهی اوقات یک نسل طول می‌کشد تا این لوح‌ها چاپ شوند، بنابراین از زمانی که داده‌ها را پیدا می‌کنیم تا زمانی که داده‌ها بخشی از سیستم ما می‌شوند، یک تأخیر زمانی واقعی وجود دارد. اما امروز احتمالاً بیش از ۵۰ نسخه مختلف در بین‌النهرین پیدا شده است، ۵۰ مورد مختلف از نسخه‌هایی که تأسیس شده‌اند، ذکر شده است.

با این حال، قدیمی‌ترین اشاره به آزادسازی بردگان در بین‌النهرین احتمالاً مربوط به آکونیتوم در حدود سال میلادی است. اکثریت قریب به اتفاق آزادسازی‌ها در بین‌النهرین در پربارترین دوره برای مطالعات ۲۵۰۰ کتاب مقدس، یعنی اوایل دوره بابلی، رخ داده است. همه پادشاهان اوایل دوره بابلی، همگی آزادسازی را برقرار کردند.

در واقع، آخرین پادشاه بابل باستان، امی-صدوقا، در واقع دو دوره آزادسازی بدهی را پایه‌گذاری کرد، بنابراین، بیایید به اطلاعات خود برگردیم. می‌توانید تصور کنید که چه هرج و مرج اقتصادی‌ای رخ می‌داد، زمانی که در فرهنگ شما هیچ ایده‌ای از زمان لغو بدهی‌ها وجود نداشت.

در بین‌النهرین، چندین اتفاق باید رخ داده باشد. پادشاه قدیمی باید می‌مرد، پادشاه جدید تاج و تخت را به دست می‌گرفت، و تا یک سالگی کامل او، آزادی‌اش را تجربه نمی‌کردید. همه اینها کاملاً ناشناخته است.

بنابراین، معنای این در اقتصاد بین‌النهرین باستان هرج و مرج بود. نقشه خدا بر اساس چرخه‌ای عمل می‌کرد که همه می‌توانستند برای آن آماده شوند. نقشه آنها، که به محوریت پادشاهی گره خورده بود، غیرقابل پیش‌بینی و ناشناخته بود.

بنابراین، من در یادداشت‌هایم اینجا به شما اشاره کردم که سه لوح در چانا، یک پادشاهی کوچک در مسیر میانی رودخانه فرات، درست در غرب بابل، پیدا شده است که به نوعی به آزادسازی مربوط می‌شود. این لوح‌ها معمولاً همان چیزی هستند که اسناد حفاظت در برابر آزادسازی نامیده می‌شوند. بسیار خوب، بیایید ببینیم آیا می‌توانم برای شما توضیح دهم که این چگونه کار می‌کرده است.

همیشه باید نوعی اعتبار وجود داشته باشد. اما فرض کنید، به زبان امروزی، شما پیش من می‌آیید و من پول دارم و شما به من می‌گویید، می‌خواهم ۵۰،۰۰۰ دلار از شما به عنوان سرمایه اولیه برای کسب و کاری که روی آن کار می‌کنم، قرض بگیرم. خب، من به شما نگاه می‌کنم و می‌گویم، فکر می‌کنم شما قابل اعتماد هستید، اما در مورد این مشکل چه کار کنم؟ من ۵۰،۰۰۰ دلار به شما قرض می‌دهم، پادشاه فعلی می‌میرد، پادشاه جدید حکم آزادی می‌دهد، من ۵۰،۰۰۰ دلار بدهکار هستم، شما ۵۰،۰۰۰ دلار پول رایگان به دست می‌آورید.

خب، گذشتگان به اندازه ما باهوش بودند. از بسیاری جهات، آنها باهوش‌تر بودند، زیرا می‌دانستند چگونه در دنیایی خصمانه‌تر از دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم، زنده بمانند. بنابراین گذشتگان یک دستگاه، حفاظت از اعتبار ایجاد کردند تا اگر من به شما پول قرض دادم، با هم سندی را امضا کنیم که از من طلبکار، محافظت کند تا پولم را از دست ندهم.

من به شما پول قرض می‌دادم، اما روی یک لوح خط میخی ذکر می‌کردیم که این وام مشمول لغو بدهی نمی‌شود. خب، ما این اسناد، این اسناد حفاظتی را در طول دوره بابل قدیم پیدا می‌کنیم. تعدادی لوح در پیدا شده است که به آزادسازی اشاره می‌کند و آنها نیز اسناد حفاظتی هستند Newsy سایت دیگری به نام

بنابراین، در حالی که به این رسم در بین‌النهرین نگاه می‌کنیم، نظر من این است. همه پادشاهان بابلی باستان حداقل یک بار آزادی داشتند، اما عمی-صادوقه دو بار. به ادعای او توجه کنید و همانطور که در مورد آزادی عمید صادوقه می‌خوانیم، به عهد عتیق خود فکر کنید.

سالی بود که در آن چوپان فروتن، که به آنو و انلیل گوش فرا داده بود، مانند خورشید برای سرزمین و برای همه مردم قیام کرد و یک نظام عادلانه ایجاد کرد. من زیر نظام عادلانه خط کشیده‌ام زیرا این کلمه مشاوروم یکی از کلمات کتاب مقدس برای رهایی است. در دهمین سال خود، او ادعا کرد که این سالی است که چوپان واقعی، محبوب شمش و مردوک، بدهی‌های سرزمین را بخشیده است.

خیلی خب؟ خب، کاری که قراره انجام بدم اینه که نظراتمون رو به دو بخش موضوعی تقسیم کنم، و اجازه بدید اینجا روی تخته بنویسم تا بتونم براتون تنظیمش کنم، امیدوارم کمی کمتر گیج‌کننده باشه. خب، این دو بخش موضوعی، مفهوم کتاب مقدسی رهایی و دوم، اصطلاح محبوب پادشاهی در مورد رهایی، یعنی کلمه چوپان، هستن. خیلی خب؟ خب، کاری که قراره انجام بدیم اینه که دو سخنرانی آموزنده ارائه بدیم.

من آنقدر احمق نیستم که فکر کنم آنها سخنرانی‌های فوق‌العاده‌ای هستند. آنها فقط سخنرانی‌های آموزنده‌ای هستند که به ما کمک می‌کنند عمیقاً چیزهایی را درک کنیم که در خدمت عمومی مسیح طنین‌انداز می‌شوند. بسیار خب؟ خب، اولین مورد از این دو موردی که می‌خواهیم بررسی کنیم، اصطلاح رهایی است.

آنچه در این چرخه رهایی سال هفتم می‌بینیم، چرخه‌ای است که من آن را سبتاری می‌نامم. باشه؟ این آشکارا بازتولید طنین‌های روز هفتم است که خداوند در پیدایش ۱ و ۲ به ما معرفی می‌کند. شش روز طول کشید تا خداوند زمین را آفرید. در روز هفتم، خداوند استراحت کرد.

منظور ما از سبت همین است. بسیار خب؟ خب، این رهایی که در سنت کتاب مقدس می‌بینیم، به وضوح ادامه‌ی آن چرخه‌ی سبت است. سال هفتم، سال استراحت است.

همانطور که خدا در روز هفتم استراحت کرد، در سال هفتم نیز عبرانیان باید استراحت می‌کردند. تمام سال برای استراحت کنار گذاشته شده بود. بنابراین، آنچه که ما در مقابل خود می‌بینیم پدیده‌ای است که در آن چرخه سبتاری در قالبی اقتصادی ظاهر می‌شود.

خیلی خب؟ خب، من شروع به نوشتن تلاش نسبتاً غم‌انگیزم برای ایجاد یک نمودار برای شما می‌کنم تا آنچه را که در موردش صحبت می‌کنیم، نشان دهم. خب، بیایید با مهم‌ترین پدیده‌های وحیانی شروع کنیم. در سنت عبری، خدا پادشاه است.

باشه؟ به عنوان پادشاه، دو ویژگی مهم در پادشاهی خدا وجود دارد: اینکه او روزی‌رسان است و اینکه او محافظ است. خب، همه اینها خیلی پیچیده است، و اگر من این چیزها را در یک دانشگاه بزرگ مثل دانشگاه شیکاگو یا دانشگاه میشیگان تدریس می‌کردم، اساتید آنجا به خاطر روش ساده‌ای که برای ارائه این مطالب به شما به کار می‌برم، به من می‌خندیدند.

اما برای اینکه چیزی برای ساختن داشته باشیم، فکر می‌کنم باید از ایده‌های ساده‌ای که می‌توانیم جذب کنیم شروع کنیم، قبل از اینکه به چیزهای پیچیده‌ای برسیم که می‌توانند مو را از هم جدا کنند. اما چیزی که می‌بینیم این است که در سنت کتاب مقدس، یک عامل بسیار مهم در سنت کتاب مقدس وجود دارد و آن این است که متن طوری طراحی شده است که هویت خدا را برای ما آشکار کند. اگر شما خدا هستید و

آسمان‌ها و زمین را آفریده‌اید، موظف هستید که به همه نسل‌های بعدی بگویید که چه کسی هستید و چگونه عمل می‌کنید.

بنابراین، محور تصویر کتاب مقدس از خدا این است که او پادشاه است. حال، متوجه هستم که اصطلاحات دیگری نیز برای توصیف خدا وجود دارد، اما فکر می‌کنم این مهمترین آنهاست. و اگر شما هم کمی مکث کنید و با من در مورد واقعیت پادشاهی فکر کنید، ممکن است برایتان منطقی باشد، چون چرا؟ هیچ کس بالاتر از پادشاه نیست.

در بین‌النهرین، دیده‌ایم که پادشاه قدرتمند مطلق است، دیده‌ایم که پادشاه مالک تمام زمین‌ها است، دیده‌ایم که پادشاه مرکز کل نظام اجتماعی است. بنابراین، این یک استعاره‌ی عالی برای آشکار کردن هویت خداست. خداست. یگانه است.

پادشاه دیگری وجود ندارد. او یگانه است. او برتر از همه است.

او مالک همه چیز است. او همه چیز است. بنابراین، این استعاره‌ای عالی برای آشکار کردن هویت خداست.

بنابراین، با برقراری آزادی، متوجه ارتباط در بین‌النهرین می‌شوید، چه کسی آزادی را برقرار می‌کند؟ این پادشاه است. خوب، چه کسی در کتاب مقدس آزادی را برقرار می‌کند؟ خدا. از آنجا که خدا پادشاه اسرائیل است، همه پادشاهان دیگر فقط به این دلیل پادشاه هستند که رعیت پادشاه بزرگ هستند.

بنابراین، خدا به عنوان پادشاه می‌تواند هویت خود را برای ما آشکار کند، اما نه فقط هویت خود را، زیرا هویت او این است که او یک پادشاه است. اما آنچه که این رهایی به ما می‌گوید، کاری است که پادشاه انجام می‌دهد. او فراهم می‌کند و محافظت می‌کند.

او فقط... بنابراین، با توجه به این نکته، اجازه دهید به شما اشاره کنم که این پدیده اقتصادی شگفت‌انگیز آزادسازی، این پدیده اقتصادی شگفت‌انگیز با سه موجودیت سروکار دارد که پایین‌تر از این هستند. یکی اینکه بدیهی است که با زمین سروکار دارد.

دوم، با نوع بشر سروکار دارد. من در کلاس‌هایم سعی می‌کنم از کلمه «بشر» استفاده کنم، چون معتقدم آدم و حوا تصویر خدا را تشکیل می‌دهند، نه فقط آدم. اما همانطور که می‌بینید، جا کم دارم، بنابراین فقط انسان «را می‌آورم چون از نوع بشر کوچک‌تر است».

بنابراین، آنچه که این نسخه به آن می‌پردازد، دو پدیده است، زمین و انسان، نوع بشر. خوب، وقتی به پیدایش و ۲ فکر می‌کنید، جایی که به نظر می‌رسد همه اینها از آنجا شروع می‌شوند، در پیدایش ۱ و ۲ بر چه چیزی ۱ تأکید شده است؟ زمینی که خدا می‌آفریند و انسانی که خدا برای زندگی در زمین می‌آفریند. خوب، در تفکر خاور نزدیک باستان، که به نظر ما زمینه درک تفکر کتاب مقدس است، چیزی که این به ما می‌گوید این است که خدا از وقایع پیدایش ۱ و ۲ و ۳، و شاید اضافه کنم، به عنوان رابط‌هایی استفاده می‌کند که در هسته خود به خدا اشاره دارند.

شاید باید رنگ خودکارم را عوض کنم تا بتوانید این را کمی واضح‌تر ببینید. این چیزها در واقع توجه ما را به خدا جلب می‌کنند. من درک می‌کنم که من و شما دوست داریم به مرکز خرید برویم و مردم را تماشا کنیم، چون مردم خیلی جالب هستند.

در واقع، در تفکر کتاب مقدس، خدا موجودی است که باید مشاهده کنیم. این [دیدگاه] برای این طراحی شده است که برای ما توضیح دهد خدا کیست و چه می کند. بنابراین، وقتی در تفکر کتاب مقدس به زمین فکر می کنیم، خدا را به عنوان خالق و او را به عنوان روزی دهنده در نظر می گیریم.

بسیار خب؟ پس اگر بتوانیم این را در ذهنمان جا بیندازیم، می توانیم با پدیده های کار کنیم که در آن، خدا پادشاهی خود را اعلام می کند، سپس این کار را بر اساس مدل سبت انجام می دهد. ما یک فرهنگ هستیم من واقعاً به اندازه کافی پول دریافت نمی کنم که به شما بگویم چند سال دارم. ممکن است بالای ۳۹ سال داشته باشم.

اما من به یاد دارم وقتی جوان تر بودم، وقتی یکشنبه فرا می رسید، عمدتاً همه چیز تعطیل بود. و در طول زندگی ام، این موضوع به طرز چشمگیری تغییر کرده است، به طوری که یکشنبه تفاوت بسیار کمی با بقیه هفته دارد. خب، این به این دلیل است که نفوذ مسیحیت، یکشنبه را گرفته و آن را به روز سبت عهد عتیق تبدیل کرده بود.

و بنابراین، ما در روز سبت استراحت کردیم. خب، کاری که همه اینها انجام می دهند این است که این ارتباط را برقرار می کنند که طرح اقتصادی اسرائیل فقط یک طرح اقتصادی نبود. در هسته خود، کل این طرح به گونه ای طراحی شده بود که خدامحور باشد.

کل ماجرا طوری طراحی شده بود که ما را به فکر کردن درباره خدا وادارد. و بنابراین، خدا به عنوان بخشنده زمین و خالق بشر، در هر دو رویداد به عنوان پادشاه نشان داده می شود. اما او اکنون ما را در موقعیتی قرار می دهد که انرژی های عمل نه تنها به صورت عمودی، همانطور که ما درباره خدا فکر می کنیم، بلکه به صورت افقی نیز عمل می کنند، زیرا متوجه می شویم که این آزادسازی انرژی افقی دارد که به این شکل عمل می کند.

منظورم از این نمودار این است که به شما نشان دهم این آرامش و بخشش بدهی ها نه تنها برای بشریت بلکه برای خود سرزمین نیز هست. بنابراین، از آنجایی که خداوند، پادشاه بزرگ، زمین را می بخشد، خداوند سیستمی ساخته است که در آن مسئولیت های افقی بین بشر و سرزمین وجود دارد که از مسئولیت های عمودی ما نسبت به خداوند سرچشمه می گیرد. بنابراین، افکار من به این سمت می رود.

در طرح شگفت انگیز خداوند، من از یک کلمه استفاده خواهم کرد. من این کلمه را دوست ندارم زیرا در فرهنگ امروز ما، اصطلاحات سیاسی حساس زیادی وجود دارد، اما این کلمه برخی از ایده ها را در بر می گیرد. آنچه ما اینجا می بینیم این است که خداوند به بشریت می آموزد که با دادن آرامش به زمین، همانطور که انسان ها آرامش دارند، خداوند به ما یادآوری می کند که زمین کاملاً مقدس است.

این سرزمین ما نیست. تمام زمین متعلق به خداست و بنابراین، باید با تمام زمین ها با همان احترام و عزتی که با انسان های ساکن در آنها رفتار می کنیم، رفتار شود. بنابراین، همانطور که انسان ها هفتمین سال استراحت را دارند، زمین نیز چنین است.

این موضوع پیامدهای الهیاتی زیادی دارد که مطمئن نیستم بتوانیم از پس آنها باییم؛ تقریباً مطمئنم که نمی توانیم امروز همه آنها را در سخنرانی مان مطرح کنیم، اما کاری که انجام می دهد این است که به بشر و زمین یادآوری می کند که هر دوی ما متعلق به خدا هستیم. بنابراین، زمین آرامش خود را می یابد، و بشر نیز، فکر می کنم این به این واقعیت منجر می شود که از دیدگاه مسیحی، ما برای احترام به زمین استدلال می کنیم نه به این دلیل که زمین زمانی که هیچ انسانی روی آن نیست، به بهترین شکل مورد استفاده قرار می گیرد، که

گاهی اوقات این برداشت را از برخی از اکولوژیست‌های افراطی‌تر دارم، بلکه به این دلیل که زمین متعلق به خداست، و بنابراین ما حق نداریم از آن سوءاستفاده کنیم.

معلوم شد که ما اکنون به طور تصادفی می‌دانیم که خوب است هر سال و به طور دائم روی زمین کشاورزی نکنیم. اکنون می‌دانیم که اگر به زمین استراحت دوره‌ای داده نشود، حاصلخیزی خاک آن را از بین می‌بریم. بنابراین، فکر می‌کنم ممکن است یک دلیل اکولوژیکی احتمالی وجود داشته باشد که چرا به زمین استراحت داده شده است، زیرا درست مانند انسان‌ها، ما نه تنها مفهوم سبت را تکرار می‌کنیم، بلکه همه ما به استراحت نیاز داریم.

مدل سبت فقط یک مدل نیست که ما در پرتو خلقت به آن فکر کنیم. همچنین یک واقعیت عملی است، که زمین و انسان‌ها به طور دوره‌ای نیاز به استراحت دارند. بنابراین، هم یک الهیات در این مورد وجود دارد، هم یک مفهوم عملی.

بنابراین، او به ما می‌آموزد که باید به نحوی به زمین فکر کنیم، و این یعنی زمین متعلق به خداست. مال ما نیست که از آن سوءاستفاده کنیم. این زمین خداست، و من و شما، به زبان مدرن، روی این زمین کشاورز سهم‌بر هستیم.

ما زمین را کشت می‌کنیم، اما زمین متعلق به خداست. بنابراین، این یک جنبه از چگونگی تفکر ما در مورد لغو بدهی‌ها است. جنبه دیگر این است که فکر می‌کنم به ما یادآوری می‌کند که اگرچه در تفکر غربی، ما بر آزادی بشریت تمرکز می‌کنیم، اما در جهانی هستیم که انسان‌ها، حتی در آمریکا، از یکدیگر سوءاستفاده می‌کنند.

بنابراین، هدف این است که به عبرانیان بیاموزد که با لغو تمام بدهی‌ها هر هفت سال و آزاد کردن بردگان خداوند به خلقت خود چیزی را یادآوری می‌کند که بدیهی و مقدس است، اما در پیدایش ۱ تا ۲ و ۳ چندان آشکار نیست. هر مرد و هر زن به تصویر خدا آفریده شده‌اند، و چون این حقیقت دارد، ما هرگز حق نداریم از نظر اقتصادی از انسان دیگری سوءاستفاده کنیم. این سیستم که در هسته خود به طرز چشمگیری خدامحور است، همچنین سیستمی است که به ما می‌آموزد چگونه روی این زمین زندگی کنیم. بنابراین، معنای آن در دنیای باستان این است که خداوند یک سیستم اقتصادی ارائه می‌داد که در آن انسان‌ها، اگر اجازه دهید این جمله را بگویم، که ممکن است برای واقعیت بیش از حد دراماتیک باشد انسان‌ها قادر به سوءاستفاده اقتصادی از یکدیگر نیستند، زیرا هر هفت سال همه شروع کاملاً جدیدی می‌کنند.

هر وامی باید لغو شود. اگر خودتان را به بردگی فروخته‌اید، باید آزاد شوید. و بنابراین، منظور این بود که این با اشکال سرمایه‌داری مغایرت دارد. چیزی که ما داریم یک سیستم سرمایه‌داری با وجدان است.

یعنی اگر در شش سال زندگی‌تان سخت کار کنید، می‌توانید موفق شوید. اما اگر در شرایط سختی قرار گرفته‌اید یا شاید همسایه‌تان از شما زیرک‌تر و باهوش‌تر بوده و از شما جلو زده است، پس خدا در حال خلق سیستمی بوده که در آن هر هفت سال، یک شروع خلاقانه کاملاً جدید وجود داشته است. و در این شروع خلاقانه، فقط یادآوری این نکته نبود که خدا منشأ همه این چیزها است، بلکه سیستمی وجود دارد که برای حیات روی این زمین کار خواهد کرد.

به نظر من، این یک سیستم الهیاتی واقعاً شگفت‌انگیز است که خدا آفریده است. و فکر می‌کنم این به یک نگاه درست به بوم‌شناسی و به نظر من، به یک نگاه درست به روابط مربوط می‌شود. من باختم؛ شما نمی‌توانید انتهای کلمه را آنجا ببینید، اما یک نگاه درست به رابطه وجود دارد.

وقتی تثنیه ۱۵ را می‌خوانید، برای این کار وقت نمی‌گذاریم چون این هفته وقت کافی برای پرداختن به همه چیز نداریم. اما اگر برای این کار وقت بگذاریم، خواهید دید که کلمه برادر بارها تکرار شده است. همچنین خواهید دید که کلمه فقیر بارها تکرار شده است.

همچنین خواهید دید که نقشه خدا برای نحوه عملکرد این سیستم بارها و بارها حول هدف الهی در فصل تثنیه متمرکز شده است، مبنی بر اینکه هیچ فقری در بین شما نباشد. فکر می‌کنم می‌توانم از این بگویم ۱۵ که خواست خدا این نیست که افراد فقیر وجود داشته باشند. خواست خدا این است که به عنوان پادشاه بزرگ، همه قومش راهی برای امرار معاش برابر داشته باشند.

در اسرائیل باستان، منظور این بود که هر کسی تاک و درخت انجیر خودش را داشت. البته این یک استعاره است، نه همه درخت انجیر داشتند، نه همه تاک، اما این استعاره‌ای است برای این واقعیت که همه در اسرائیل صاحب ملک بودند. دنیای کشاورزی بود. صنعتی وجود نداشت.

بنابراین، خداوند سیستمی خلق کرد که در آن همه به اصطلاح دارایی برابر داشتند و همه می‌توانستند از فقر اجتناب کنند زیرا هر هفت سال، زمین به صاحب اصلی خود بازمی‌گشت. و بدین ترتیب، ما شگفت‌انگیزترین ترکیب الهیات و اقتصاد را داریم که من در هیچ کجای کتاب مقدس عبری سراغ ندارم. بنابراین، به نظر می‌رسد که این سیستم ریشه در بین‌النهرین دارد.

به نظر می‌رسد که توسط خدا اقتباس شده است، به جز اینکه در سنت عبری او پادشاه است، و به نظر می‌رسد که بر اساس مدل خلقت ساخته شده است، به این معنی که خدا قصد داشته است که این امر حداقل در میان اسرائیل، دائمی باشد. و به نظر می‌رسد که این نوعی از چیزی است که اقتصادی را ایجاد کرده است که می‌توانسته تجربه تولد دوباره را به صورت چرخه‌ای داشته باشد. مشکل اینجاست.

این کار به معنای واقعی کلمه هرگز انجام نشد. اکنون نمی‌توانیم با قطعیت بگوییم، اما فکر می‌کنیم مشکل همین بوده است. در ۱۴۰۰ سال قبل از میلاد، موسی در این مورد نوشت.

در سال ۱۳۶۰، یوشع آنها را به سرزمین موعود می‌آورد و اوضاع برای چند دهه کاملاً خوب پیش می‌رود، اما ناگهان اتفاق غم‌انگیزی می‌افتد و یوشع می‌میرد. و اگر داستان کتاب مقدس را به خاطر داشته باشید، به یاد خواهید آورد که وقتی یوشع می‌میرد، جانشینی وجود ندارد. متن کتاب مقدس این واقعیت را که یوشع جانشین دقیق موسی است، بزرگ جلوه می‌دهد.

اما وقتی یوشع بمیرد، جانشینی برای یوشع وجود نخواهد داشت. و بنابراین، برای ۳۴۰ سال بعدی، ما فقط سال یا بیشتر را در کتاب داوران قرار می‌دهیم. در کتاب داوران، چیزی که ما داریم کتابی است که به ۳۰۰ ما می‌گوید، آیا الان با من همفکر هستید؟ در آن روزها، هیچ پادشاهی در اسرائیل وجود نداشت.

هر کسی کاری را که از نظر خودش درست بود انجام داد. کلمه‌ای که به درستی ترجمه شده، ریشه کلمه رهایی نیز هست. بنابراین، با مرگ یوشع، ما دیگر نه مردمی متحد داریم و نه رهبری متحد.

و برای ۳۰۰ سال بعدی، هیچ رهایی‌ای وجود ندارد. به طوری که تا زمانی که سرانجام اولین پادشاه را تقریباً در سال ۱۰۵۰ با شائول داریم، تا زمانی که اولین پادشاه را داریم، ۴۰۰ سال بدون هیچ رهایی‌ای بوده‌ایم. و از کتاب دوم تواریخ می‌دانیم که رهایی، همانطور که به ما می‌گوید، هرگز در کل عهد عتیق عملی نشده است.

بنابراین، ما با این مشکل مواجه هستیم، بدون رهبری، بدون مردمی که از رهبری پیروی کنند، هیچ کس برای معرفی رهایی وجود ندارد و هیچ کس برای پیروی وجود ندارد. و زمانی که پادشاهی سرانجام ظاهر می‌شود، ظاهراً قطع جریان اقتصادی در آینده بسیار دشوار است. و بنابراین، رهایی در کل عهد عتیق هرگز عملی نشده است.

حالا یادتان باشد، قبل از اینکه از این بحث خارج شویم، بگذارید نکته‌ای را بگویم. خدا گفته است که در میان شما فقری نباشد. وقتی وارد دوره سلطنت می‌شویم، وارد دوره انبیا هم می‌شویم.

و آنچه ما داریم، پیامبرانی هستند که خداوند برای محکوم کردن سوءاستفاده از انسان توسط انسان برانگیخته است. و به سختی می‌توان موضوعی را یافت که پیامبران با شور و اشتیاق بیشتری نسبت به موضوع سوءاستفاده ثروتمندان از فقرا به آن پرداخته باشند. این یک مفهوم مسیحی درجه یک است.

من همچنین افتخار تدریس کتاب اعمال رسولان در دانشگاه لیبرتی را دارم. و اگر اجازه دهید، فقط یک ارتباط سریع بین آنچه که در موردش صحبت کردیم، برقرار می‌کنم. این تصادفی نیست که وقتی به کتاب اعمال رسولان می‌رسیم، مسیحیان اولیه در اعمال رسولان، که همه یهودی بودند، دارایی‌های خود را فروختند و اقتصادی را، به بهترین شکل ممکن، ایجاد کردند که در آن هیچ فقری وجود نداشت.

به نظر من، مؤمنان اولیه در اعمال رسولان احتمالاً از این مدل تثبیه ۱۵ پیروی می‌کردند، که در آن سعی داشتند جامعه واقعی مورد نظر خدا را تکرار کنند. حال، من به هیچ وجه مطمئن نیستم که چقدر می‌توان این را به دوران مسیحی مدرن که در آن هستیم تعمیم داد. اما چیزی که می‌توانم بگویم این است که چه در مورد عهد عتیق و چه در مورد عهد جدید، این یک مفهوم مسیحی است که سعی در مقابله با مشکل فقر داشته باشد.

این یک مفهوم اخلاقی است که ریشه در خود خلقت دارد. وقتی خداوند این لغو بدهی‌ها را خلق کرد، چیزی را خلق می‌کرد که طوری طراحی شده بود که هر انسانی بتواند به طور مؤثرتری جایگاه خود را به عنوان حامل تصویر الهی منعکس کند. می‌دانید، اگر بتوانیم با مردم طوری رفتار کنیم که انگار سرنوشت آنها در زندگی این است که فقیر هستند، آنگاه یک واقعیت روانشناختی ایجاد کرده‌ایم که من آنها را حامل تصویر الهی واقعی نمی‌بینم.

من آنها را در طبقه‌ی دیگری می‌بینم. آنها آدم‌های فقیری هستند. و این داستان نسل بشر است، اینطور نیست؟ بنابراین، من نمی‌دانم که جاهای زیادی در عهد عتیق وجود دارد که دراماتیک‌تر و مهم‌تر از چیزی باشند که ما اینجا به آن نگاه می‌کنیم.

این اطلاعات پیش‌زمینه نه تنها برای عهد عتیق، بلکه برای عهد جدید نیز مفید است. بنابراین، ما را به این واقعیت سوق می‌دهد که چون بنی‌اسرائیل از این امر سرپیچی کردند، همه از داوود به بعد، از جمله داوود وقتی خدا اسرائیل را به تبعید فرستاد، طبق دوم تواریخ ۳۶:۲۱، خدا تعداد سال‌های تبعید در بابل را با تعداد سال‌های سبت که نقض شده بود، تعیین کرد. هر تعداد سال سبت که نقض شده بود، تعداد سال‌های تبعید آنها را تعیین می‌کرد.

هفتاد سبت، ۷۰ ضریب ۷، و غیره و غیره. بنابراین، من فکر می‌کنم همه اینها اطلاعات فوق‌العاده مهمی هستند که بخشی جدایی‌ناپذیر از دوره بابل قدیم هستند، اما در طول بقیه عهد عتیق زنده و غالب هستند. در اواخر دهه ۷۰، یک گروه جدید و به نظر من، یک گروه اقلیت پر سر و صدا از محققان به نام مینیمالیست‌ها ظهور کردند.

آنها به این دلیل به این نام خوانده می‌شوند که اصالت تاریخی هر متن کتاب مقدس را انکار می‌کنند، مگر اینکه آن متن از نظر علمی به عنوان یک واقعیت اثبات شود. و آنها به انکار ارتباطاتی پرداختند که من سعی داشتم در اینجا بین رهایی بابلی و رهایی ذکر شده در کتاب مقدس برقرار کنم. از نظر من، همانطور که به وضوح می‌بینید، این فقط یک رهایی اقتصادی نیست. این رهایی‌ای است که به خود خلقت مرتبط است.

در خلقت، خداوند در حال ایجاد یک چرخه بی‌پایان بود. چرخه‌ای بی‌پایان که شاید توسط جامعه ۳ به تصویر کشیده شده باشد، زیرا در آن بخش از جامعه ۳، نویسنده آن بخش، در مورد زمانی برای این و زمانی برای آن، ۱۴ بار به ما داده است. ۱۴ بار از این، ۱۴ بار از آن.

وقت زندگی کردن، وقت مردن. این بدیهی است که عددی است که حاصل ضرب خلقت در دو است. خلقت مضاعف.

بنابراین، چیزی که من پیشنهاد می‌کنم این است که خدا مجموعه‌ای از زمان‌ها را خلق کرده است که اگر به درستی دنبال شوند، مجموعه‌ای از زمان‌ها خواهند بود که زندگی روی این زمین را به شیوه‌ای بهتر پیش می‌برند. حال، خبر خوب برای شما که این ویدیو را تماشا می‌کنید این است که من برای این سمت کاندید نمی‌شوم. اگر به عنوان رئیس جمهور انتخاب شوم، نمی‌توانم این یا آن کار را انجام دهم.

اما من با کمی شور و شوق معتقدم که حتی یک دولت سکولار هم می‌تواند از چنین سیستمی پیروی کند و آن را به شیوه‌ای اخلاقی برتر از آنچه در مثلاً جهان اطراف ما اتفاق می‌افتد، به کار گیرد. بنابراین، این سیستم هرگز به دلیل گناه انسان به کار گرفته نشد. این امر عواقبی داشت.

آن پیامدها حتی به دنیای امروز ما نیز برمی‌گردند. اما می‌خواهم به شما بگویم که این مفهوم به عنوان وسیله‌ای برای آشکار شدن پروردگارمان عمل کرده است. ما خود را برای استراحت آماده می‌کنیم. اما در حین انجام این کار، اجازه دهید به شما معرفی کنم که در این استراحت به کجا خواهیم رفت.

و بحث ما به نقل قول لوقا در لوقا ۴ برمی‌گردد، نقل قولی که در آن عیسی به اشعیا ۶۱ استناد می‌کند. و اشعیا ۶۱ آشکارا به مفهوم لاویان ۲۵ اشاره دارد. بنابراین، کاری که در ویدیوی بعدی‌مان انجام خواهیم داد این است که نشان دهیم چگونه این مفهوم رهایی به ابزاری برای مکاشفه خداوندان در لوقا فصل ۴ تبدیل می‌شود. فکر می‌کنم برایتان جالب باشد.

و چیزی که در ساعت بعد، پس از بیان این نکته، روی آن تمرکز خواهیم کرد، مفهوم چوپان است که با رهایی در بین‌النهرین مرتبط است. بنابراین، این ویدیو را تمام می‌کنیم و ویدیوی بعدی را بعداً شروع می‌کنیم.

این دکتر دان فاوئر در تدریس خود در مورد پیشینه‌های عهد عتیق است. این جلسه ۷، یوبیل است.